

جهانی سازی

مقابله با چالش های آن



که محمد ملازاده

نویسنده و پژوهشگر اشنویه

پدیده هایی از قبیل جهانی سازی، مدرنیسم، پست مدرنیسم، بنیادگرایی و ابتدا در جهان غرب شکل گرفته و سر برافراشته اند، سپس محققان و تحلیل گران کشورهای جهان سوم به بحث و بررسی پیرامون آن پرداخته اند. این امر از این جهت نگران کننده است که پدیده ای در دنیایی با ویژگی ها و فرهنگ متفاوت و بر اساس بینش و ایدئولوژی خاص، در شرایط و موقعیت سیاسی و جغرافیایی معینی شکل می گیرد، سپس اندیشمندان و محققان بخش دیگری از جهان با آب و تاب فراوان عین آن پدیده را بدون کم و کاست و تغییر و اصلاح دست مایه و موضوع تلاش فکری و تحقیق نظری خود قرار می دهند و به جای آنکه عملاً به عمق آن وارد شده و از دستاوردهای مثبت آن بهره ببرند، به بحث نظری پیرامون آن اکتفا می ورزند.

دنیای غرب عملاً وارد مراحل مدرنیسم، پست مدرنیسم و جهانی سازی شده و برخی از این مراحل را پشت سر نهاده است؛ اما در جهان سوم هنوز مفاهیم نظری این نظریه ها به خوبی هضم نشده و با دوران مدرنیسم فاصله زیادی وجود دارد، گرچه سخن از پست مدرنیسم و جهانی سازی می رود.

تعریف جهانی سازی

رعد کامل الحیالی، نویسنده کتاب «العولمه و خيارات المواجهه»، در تعریف جهانی سازی می گوید: «در فرهنگ انگلیسی «ویسترز» آمده است: جهانی سازی یعنی طبیعت جهانی و فرامنطقه ای به یک چیز دادن، و در منصفه عمل آن را در همه جهان عملی کردن.»^(۱)

بعضی دیگر گفته اند: «جهانی سازی یک نظام جدید جهانی مبتنی بر عقل الکترونیک و انقلاب اطلاعات است و بنیان های آن را اطلاعات و نوآوری در تکنولوژی غیر محدود - بدون توجه به نظام ها، تمدن ها، فرهنگ ها، ارزش ها و مرزهای سیاسی و جغرافیایی - تشکیل می دهد.»^(۲)

نویسنده مذکور معتقد است که دشوار است بتوانیم بر تعریف واحدی از پدیده جهانی سازی اتفاق نظر حاصل کنیم، اما می توان تعریف زیر را یکی از جامع ترین تعاریف آن قلمداد کرد:

«فرایند جهانی سازی عبارت از عملیاتی است که رهبری آن را نیروهای فعال و مؤثر در نظم نوین جهانی به عهده دارند تا از کانال آن، ارزش ها، رفتارها، سیاست ها و مفاهیم مقبول نظام سرمایه داری لیبرالی غربی را در سه حوزه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بر جهان تحمیل کنند. در حوزه سیاسی سیستم دموکراسی و حقوق بشر را به مفهوم غربی آن در تمامی جهان رواج دهند. در حوزه اقتصادی، رونق بخشیدن به تکامل سرمایه داری از کانال افزایش درآمدها و متداول کردن مفاهیمی چون جهانی کردن بهره، جهانی کردن انتقال سرمایه ها و آزادی تجارت، و انتقال تکنولوژی به منظور ایجاد حالتی از اقتصاد که در آن سرمایه و اقتصاد از مراکز بین المللی معین به همه جهان سرازیر شود و الگوی اقتصادی مورد نظر این مراکز در تمامی جهان رواج و گسترش پیدا کند. و در حوزه فرهنگی و اجتماعی، محور اصلی جهانی سازی را عملیات تفاعل جهانی تشکیل می دهد. بدین معنی که الگوی مقتدر غربی ارزش ها و رفتارهای خود را به عنوان یگانه الگوی موفق به همه مردم جهان تحمیل کند و در این میدان هیچ قوم، ملت، تمدن و فرهنگی مقاومتی از خود نشان ندهد.»^(۳)

در یک تعریف کوتاه از جهانی سازی آمده است: «جهان سازی یعنی تحمیل سلطه و اقتدار سیستم موسوم به نظم نوین جهانی.»^(۴) یا «جهانی سازی یعنی الغای مصادر مستقل معرفت که در میان ملت ها وجود دارد.»^(۵)

از مجموع تعاریف فوق بر می آید که فرآیند جهانی سازی کنونی یک پدیده غربی و مولود نظام اقتصادی سرمایه داری و فلسفه عقلانی لیبرالیسم است.

تاریخچه جهانی سازی

پدیده جهانی سازی چنانکه در وهله اول به نظر می رسد امری تازه و نو نیست بلکه قدمت آن به گذشته بر می گردد. زیرا هر دین و تمدنی که در سرزمین و مملکتی شکل گرفته است و پایه هایش استحکام پیدا کرده، اندیشه جهانی سازی آن در اندیشه پیروان آن به جولان در آمده است تا کل جهان بر اساس نوع نگرش و تعالیم آن اداره شود و روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی انسان ها بر مبنای آن تنظیم گردد. دکتر حسن حنفی در این زمینه می گوید: «جهانی سازی یک پدیده نوظهور نیست بلکه قدمت آن به قدمت تاریخ باز می گردد و هر گاه (در منطقه ای) تمدنی شکل گرفته و قوت یافته، اندیشه رهبری جهان به مخیله طرفداران آن راه یافته است. گاهی مجموعه (کشورهای) شرقی شامل چین، هند و فارس (ایران) و بین النهرین (عراق و شام) و کنعان (فلسطین) و مصر قدیم اندیشه جهانی سازی تمدن و آیین خود را در ذهن خود پرورانده اند. و گاهی تمدن عربی اسلامی مانند حلقه وصلی میان تمدن های شرقی و غربی به این مهم برخاسته است. زمانی که تمدن عربی اسلامی مرکز عالم و مصدر علم به شمار می رفت، دستاوردهای اندیشه و نوآوری های خود را از عربی به عبری و لاتینی ترجمه می کردند تا از این طریق تمدن و اندیشه خود را به آنها انتقال دهند. زمانی جهان غرب در قالب تمدن و فلسفه یونانی و رومی، و امروز تمدن جدید غربی در قالب جهانی سازی به فکر جهانی کردن خود می باشد.»^(۶)

دکتر فتحی یکن نیز درباره تاریخچه پیدایش جهانی سازی می گوید: «این بخشش و هدیه جهانی (جهانی سازی) زاده و فرزند امروز نیست هر چند انقلاب صنعتی و رشد تکنولوژی و انقلاب ارتباطات عرصه فراخی را برای پدیده جهانی سازی مهیا کرده است. گرایش به جهانی سازی همواره در اذهان بشر وجود داشته است. فلاسفه و رجال دین و همچنین ادیان آسمانی همگی این احساس را در درون انسان ها تقویت کرده اند و به سوی آن فراخوانده اند و از وحدت زندگی انسانی و انسان ها سخن به میان آورده اند.»^(۷)

دکتر فتحی یکن در ادامه این مبحث می گوید که بعضی از پژوهشگران روند تکامل تدریجی پدیده جهانی سازی غربی را در پنج مرحله زمانی بیان کرده اند:

مرحله اول: دوران جنینی جهانی سازی غربی از اوایل قرن پانزدهم میلادی شروع شده و تا نیمه اول قرن هجدهم ادامه یافته است.

مرحله دوم: دوران رشد و ارتقای جهانی سازی از اواسط نیمه دوم قرن هجدهم شروع می شود و در مرحله بعدی ادامه می یابد.

مرحله سوم: تحرک و گسترش جهانی سازی از سال ۱۸۷۰ شروع می شود و تا سال ۱۹۲۰ میلادی ادامه یافته است.

مرحله چهارم: دوران جنگ و ستیز برای مسلط شدن بر همه

جهان؛ این مرحله از سال ۱۹۲۰ شروع می شود و تا سال ۱۹۹۰ ادامه یافته است.

مرحله پنجم: دوران تشکیک و عدم اطمینان و بی اعتمادی؛ این مرحله از سال ۱۹۹۰ شروع و تاکنون ادامه دارد.^(۸)

تفاوت جهانشمولی اسلامی با جهانی سازی غربی گروهی جهانشمولی اسلامی را معادل و مساوی جهانی سازی غربی می دانند و از این بابت مسلمانان را مورد سرزنش و اعتراض قرار می دهند که چرا جهانشمولی اسلامی را امری مطلوب می پذیرید ولی جهانی سازی غربی را امری نامطلوب و ناپسندیده؟

در پاسخ به این اعتراض، ضمن اذعان به جهانشمولی اسلام اعلام می داریم که میان این دو پدیده دو تفاوت اساسی وجود دارد: ۱- جهانشمولی اسلامی به تعدد و تکثر فرهنگ ها و تمدن ها اعتراف می کند و برای تعدد افکار، ادیان و تمدن ها احترام قایل است و پیروان همه ملل و نحل می توانند در حوزه «دارالاسلام» به عقاید خود وفادار بمانند و حکومت اسلامی حافظ و نگهبان عقیده، فرهنگ، اموال و آبروی آنها می باشد. تاریخ همزیستی مسالمت آمیز میان مسلمانان و پیروان سایر ادیان بویژه مسیحی ها و یهودی ها در ممالک اسلامی، در طول ۱۴۰۰ سال گذشته گواهی روشن بر این مدعا است.

به عنوان نمونه، در شرایطی که منادیان جهانی سازی و نظریه پردازان سرمایه داری تئوری پایان تاریخ و مرگ تمدن ها یا بانگ جنگ و نزاع میان تمدن ها را سر می دهند، رئیس جمهور (سابق) ایران دکتر سیدمحمد خاتمی در یک واکنش نشأت گرفته از عقیده و اندیشه اسلامی ندای گفتگوی تمدن ها را سر می دهد و بدین وسیله تفاوت اساسی میان تمدن و اندیشه و حیانی نشأت گرفته از عقلانیت دینی، با تمدن و اندیشه فلسفی نشأت گرفته از عقلانیت مادی و آیین های بشری را بر همگان هویدا می کند. و در حالی که از یک سو بر طبل مرگ و جنگ کوفته می شود، از دیگر سو ندای صلح و آشتی و گفت و گو سر داده می شود.

در جهانشمولی اسلامی که پیام آور آن حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و علی آله و صحبه و سلم، رحمت للعالمین^(۹) و بشیر و نذیر^(۱۰) و فرستاده خدا است^(۱۱)، پیروان و شاگردان مدرسه اش، امت وسط و شهداء علی الناس هستند^(۱۲).

در ایدئولوژی جهانشمول اسلامی همه انسان ها با هم مساوی و برابر هستند و «تقوی»^(۱۳) یگانه ملاک تفاوت و برتری است و مسلمانان امانت دار و حامی یک امانت الهی هستند (امانت توحید و بندگی برای خدا)^(۱۴) که باید آن را به همه بشریت عرضه دارند.

۲- دومین تفاوت اساسی میان جهانشمولی اسلامی و جهان سازی غربی، حیانی و خدایی بودن جهانشموی اسلامی است. جهانشمولی اسلامی یک گرایش انسانی و احساس حیوانی نیست تا مسلمانان به واسطه آن بر دیگر اقوام احساس برتری کنند و از کانال آن خود را بر سایر اقوام تحمیل نمایند. حتی جهادی که به منظور تبلیغ و گسترش اسلام مشروع شده است مطابق با فرامین

الهی است تا مسلمانان بر اساس وظیفه و امانتی که بر دوش دارند به عنوان ادای تکلیف، نه جهان گشایی، به این جهاد مقدس برخیزند. البته با در نظر گرفتن این اصل که تحمیل عقیده در اسلام به هیچ وجه، تحت هیچ شرایطی، جایز نیست و همگان در پذیرش و یا عدم پذیرش دین اسلام آزادند: «لا اکراه فی الدین قد تبین الرشد من الغی» (بقره/۲۵۶)؛ «فأنت تکره الناس حتی یکنوا مؤمنین» (یونس/۹۷).

اما جهانی سازی غربی یک اندیشه و گرایش برتری طلبانه و استعمارگراییانه غربی سرمایه داری است که ریشه در تمدن مادی و فلسفه عقل گرایی الحادی غربی دارد و بر اساس آن جهان قدرتمند غرب سرمایه داری حق طبیعی و قانونی خود می داند که بر سر نوشت و مقدرات ملت ها حکومت کند و ثروت های خدادادی آنها را از چنگ شان برآید. دکتر محمد عماره در این زمینه می گوید: «در جهانشمولی اسلامی تمدن های مختلف می توانند در کنار هم برادرانه زندگی کنند و قرار نیست که همه آنها مثل هم بیندیشند و یا بیگانه از هم و دشمن یکدیگر باشند، بلکه نوعی تشابه میان همه آنها وجود دارد و یک نقطه مشترک - که جهانی بودن است - میان همه آنها پیوند به وجود می آورد.»^(۱۵)

ابعاد جهانی سازی غربی

فرایند جهانی سازی - چنانکه از تعریف های پیشین بر می آید - شامل و در برگیرنده تمامی ابعاد زندگی می شود و حوزه های سیاست، فرهنگ، اقتصاد و دین را در بر می گیرد. لذا ایجاب می کند که هر چند فشرده و مختصر به بیان اثرات جهانی سازی در ابعاد چهارگانه فوق بپردازیم.

جهانی سازی و سیاست

در عرصه سیاست، جهانی سازی عبارت است از خضوع و تسلیم تمامی جهانیان در برابر سیاست های تنها ابرقدرت جهان یعنی امریکا. امریکا بعد از پایان جنگ سرد و فروپاشی بلوک کمونیستی (شرق)، خود را یگانه ابرقدرت جهان تلقی می کند و در صدد است نفوذ سیاسی خود را به تمام جهان گسترش دهد. تحرکات جهانی امریکا بخصوص در ممالک اسلامی شاهد این مدعا است، اما مشکل اصلی امریکا در این است که از سیاست یک بام و دو هوا پیروی می کند و با دو معیار متفاوت به جهان می نگرد؛ معیاری برای همه جهان، و معیاری برای جهان اسلام.

برای جهان غیر اسلامی منادی دموکراسی و حقوق بشر و آزادی و عدالت و رفاه اقتصادی است، اما جنگ و کشتار، استبداد و خفقان را برای ملت های مسلمان به ارمغان می آورد. حقوق پایمال شده مسلمانان در فلسطین، کشمیر، چین، اتیوپی و اریتره را نادیده می گیرد، اما از جدایی طلبان سودانی و تیمور شرقی و مصری و... حمایت می کند. کشتار فلسطینی ها و تخریب خانه آنها را بدست اسرائیلی ها نادیده می گیرد اما مقاومت و جهاد مشروع آنها را تروریسم کور می نامد.

جهانی سازی و اقتصاد

این بعد از جهانی سازی به طور خلاصه عبارت است از اینکه از رشد و توسعه اقتصادی در کشورهای اسلامی جلوگیری می شود و به جای آن مواد مخدر و مسکرات رایج می گردد. از تأسیس کارخانجات و مؤسسات تولیدی جلوگیری می شود و به جای آن زمینه مصرف گرایی فراهم می شود. ولی برای سایر ممالک عکس این امور را خواستاراند. در ادامه به توضیح بیشتر این مطلب خواهیم پرداخت.

جهانی سازی و فرهنگ

جهانی سازی در بعد فرهنگی روحیه و اندیشه تبعیت از فرهنگ غربی و ترویج اسرائیلیات و تسلیم پذیری و ذلت را در میان مسلمانان رواج می دهد و مردم جهان بویژه مسلمانان را با فرهنگ خویش بیگانه می نماید.

جهانی سازی و دین

جهانی سازی دین در خدمت یهودی و مسیحی کردن جهانیان قرار دارد که غرب می خواهد از کانال آن یک نوع امپریالیسم دینی غربی (مسیحی و یهودی) را بر کل جهان تحمیل کند و برای این منظور از اقتدار نظامی، اقتصادی، سیاسی و تکنولوژیک و اطلاع رسانی بهره می گیرد.

کلیسا خواب مسیحی کردن کل جهان را می بیند و آشکارا آن را اعلام می نماید، و جورج دبلیو بوش به عنوان مجری، ندای احیای جنگ های صلیبی را سر می دهد. دستگاه های تبشیری بار دیگر در سرتاسر جهان فعال شده اند و در این راستا سالیانه میلیارد ها دلار هزینه می شود و از تمامی امکانات بهره می گیرند و همه این فعالیت ها در راستای خدمت به یهود و صهیونیسم صورت می گیرد و بر اساس نقشه های آنان اجرا می گردد.

زیرا یهودی ها از قدیم در مسیحیت نفوذ کرده اند و این امر به دوران «پولس» یا «مارتین لوتر» مؤسس مذهب پروتستانسیسم بر می گردد که هر دو یهودی الاصل بوده اند و در مسیحیت نفوذ کرده اند. حتی طبق تحقیقی که دکتر یوسف الحسن انجام داده است دین مسیحیت در ایالات متحده امریکا بیشتر دین توراتی است که شرح های آن در قالب های عبری بیان شده و فرضیه نفوذ صهیونیسم در ساختار و ریشه های مسیحیت اصول گرا بر یک قانون لاهوتی توراتی استوار است که در سه نقطه خلاصه می شود:

- ۱- هر مسیحی مخلص باید به بازگشت مسیح ایمان داشته باشد.
- ۲- تأسیس دولت اسرائیل و استیلای آن بر شهر بیت المقدس یک اشاره و الهام خدایی است که نزدیک شدن ظهور مجدد حضرت مسیح را نوید می دهد.

۳- بنابراین مساعدت مادی و معنوی دولت اسرائیل به هر شکل ممکن یکی از وظایف و واجبات است اما نه به عنوان یک واجب اخلاقی یا انسانی یا استراتژیک بلکه به عنوان یک «قضای حتمی»

خدایی»، چون این امر ظهور حضرت عیسی را سرعت می بخشد. بنابراین هر کس به علیه اسرائیل اقدامی نماید در واقع بر علیه مسیح و بر علیه خدا اقدام نموده است.^(۱۶)

دست آوردهای جهانی سازی به روایت رسانه های غربی جهانی سازی در کنار مضرات و زیان های فراوانش برای ممالک جهان سوم، منافعی را نیز در بر دارد. ولی اگر منافع و خطرات آن را با هم بسنجیم در می یابیم که دست آوردهای مثبت آن برای مسلمانان در مقابل زیان هایش بس ناچیز است. اما اگر از منظر رسانه های غربی به جهانی سازی بنگریم، می بینیم که آن را خیر محض و منفعت مطلق جلوه می دهند و آن را تحفه رهایی بشریت بویژه جهان سوم قلمداد می نمایند. اینکه به برخی از دست آوردهای جهانی سازی به روایت رسانه های غربی اشاره می کنیم:

۱- در عرصه سیاسی

جهانی سازی باعث می شود:

الف: روند دموکراتیزه شدن حکومت ها سرعت پیدا کند و ملت ها از یوغ حکومت های استبدادی و سلطنت های مطلق العنان رهایی پیدا کنند.

ب: منشور حقوق بشر مشروعیت جهانی پیدا کند و مبانی آن در تمامی دنیا رواج و گسترش یابد و همه ملت ها از حقوق برابر برخوردار شوند و بتوانند سرنوشت خود را خود رقم بزنند و آزادی های سیاسی و حقوق ملی و فرهنگی و دینی همه اقوام رعایت شود.

ج: به هنگام رواج اختلاف و ایجاد نزاع میان دولت ها و ملت ها یگانه مرجع حکمیت سازمان ملل و شورای امنیت باشد و مصوبات و قطع نامه های آن برای تمامی دولت ها و ملت ها واجب الاتباع تلقی شود.

د: اعتراف به حاکمیت و سیادت همه ملت ها و دولت ها در محدوده مملکت خود و مقابله با هر گونه حق کشی و استبداد.

۲- در عرصه اقتصادی

مدعیان جهانی سازی می گویند اگر برنامه آنها عملی شود کره زمین به بهشت موعود تبدیل می گردد و اثری از فقر و استعمار و بهره کشی نخواهد ماند زیرا می گویند از برکت آن:

الف: پدیده بیکاری از میان انسان ها رخت بر می بندد و تمامی انسان ها و ملت ها صاحب شغل و کار و درآمد مناسب خواهند شد.

ب: هزینه های سنگین و کمر شکن گمرکات و حمل و نقل و... از بین خواهد رفت یا به حداقل خواهد رسید. کالاها و دست آوردهای صنعت و تکنولوژی مدرن با نازل ترین نرخ ها در دست مصرف کنندگان - در هر جای دنیا زندگی کنند - قرار می گیرد.

ج: مؤسسات بزرگی اقتصادی، چون صندوق بین المللی پول، بانک جهانی، سازمان تجارت جهانی، شرکت های فراملیتی و منطقه ای از کانال اقتصاد بازار آزاد و بازار باز، و سازمان توسعه و تعاون اقتصادی به کمک محرومین جهان برمی خیزند و همه آنها را از فقر و فلاکت نجات می دهند!

۳- در عرصه فرهنگی

از نظر فرهنگی نیز جهانی سازی باعث می شود که:

الف: فرهنگ جهانی در میان تمامی ملت ها رواج و گسترش پیدا کند و تفاوت های فرهنگی میان ملت ها و اقوام برداشته شود.

ب: وسایل اطلاع رسانی پیشرفته و مدرن جدید چون شبکه جهانی اینترنت، سیستم دیجیتال، شبکه های ماهواره ای، خبرگزاری ها، رادیو و تلویزیون، کامپیوتر، روزنامه، سینما، تئاتر و سایر وسایل اطلاع رسانی، در امر یگانه کردن فرهنگ ملت ها و اقوام و دولت ها دست به دست هم خواهند داد.

۴- در عرصه فکری عقیدتی

پدیده جهانی سازی در بعد فکری و عقیدتی باعث می شود که نقش دین در جوامع انسانی هر چه بیشتر کم رنگ شود و جای دین الهی و حیانی را - که در طول تاریخ به عنوان یک ایدئولوژی شامل و فراگیر مطرح بوده است - دین عقلانی انسانی پر کند و نقش آن منحصر به ایجاد رابطه روحی میان خدا و انسان آن هم در گوشه معابد و عبادتگاهها باشد و کاری به کار دنیا و زندگی انسانها نداشته باشد و در ضمن از قداست و احترام به آن کاسته شود و انسان ها هر طور که بخواهند طبق میل و دلخواه خود آن را از حداکثر به حداقل کاهش بدهند. طرفداران جهانی سازی این قرائت از دین و موضع گیری در قبال آن را نوعی خدمت به دین و تکامل دینی قلمداد می کنند.

پی نوشتها:

- ۱- العولمة و خيارات المواجهة، رعد کامل الحیالی، ص ۷.
- ۲- همان مرجع.
- ۳- همان مرجع، ص ۹.
- ۴- العولمة و خصائص دار الاسلام و دار الکفر، عابد بن محمد السفیانی، ص ۱۸.
- ۵- همان مرجع.
- ۶- العولمة، دکتر حسن حنفی، ص ۱۸- ۱۷.
- ۷- العولمة و مستقبل العالم الاسلامی، ص ۲۶.
- ۸- العولمة و مستقبل العالم الاسلامی (نقل به اختصار)، ص ۳۱- ۳۰.
- ۹- «و ما أرسلناک الا رحمة للعالمین»، انبیاء/ ۱۰۷.
- ۱۰- «و ما أرسلناک الا کافة للناس بشیراً و نذیراً»، سباء/ ۲۸.
- ۱۱- «قل یا ایها الناس انی رسول الله الیکم جمیعاً»، اعراف/ ۱۵۸.
- ۱۲- «و کذلک جعلناکم امة وسطاً لتکونوا شهداء علی الناس و یکون الرسول علیکم شهیداً»، البقره/ ۱۴۳.
- ۱۳- «یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا ان اکر مکم عند الله اتماکم ان الله علیم خبیر»، حجرات/ ۱۳۷.
- ۱۴- «قل یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمة سواء بیننا و بینکم الا نعبد الا الله و لا نشرك به شیئاً و لا یتخذ بعضنا بعضاً ارباباً من دون الله...»، آل عمران/ ۶۴.
- ۱۵- الاسلام و العولمة (مجموعه مقالات)، ص ۱۱۸.
- ۱۶- در تهیه این مبحث از کتاب المسلمون و العولمة، اثر دکتر قرضای استفاده شده است.